

بخش اول: جمله-نهاد و گزاره-فعل

فارسی ششم دبستان
فارسی ششم دبستان
(مدت های نوشتاری)

نکات تیزهوشان
ادبیات فارسی
ششم



نکات تستی ادبیات فارسی پایه ششم (ویژه تیزهوشان)

مبحث اول: جمله، نهاد و گزاره و فعل

وبسایت منتشر کننده: بانک سوالات ششم (بیگدلی)

ضمیمه: نکات، مفاهیم کلیدی

تعداد صفحات: ۱۳



درس اول

جمله

جمله: یک یا مجموع چند کلمه است که معنای کاملی را می‌رساند و در انتهای آن درنگ (مکث) می‌کنیم.

مانند: دو دوست با پای پیاده از بیابانی عبور می‌کردند.

نکته:

فعل مهم ترین بخش هر جمله است و به تنهایی می‌تواند یک جمله محسوب شود.

یک جمله ی مستقل بر دو نوع است:

(۱) جمله ی ساده: جمله ای که یک فعل دارد.

مانند: باد سرد پاییزی در کوچه می‌وزید.

(۲) جمله ی مرکب: جمله ای که بیش از یک فعل دارد.

مانند: اگر با او همسفر شوی، او را بهتر می‌شناسی.

نکته:

در ساختمان جمله های مرکب، حروف ربط به کار می‌رود؛ از جمله حروف ربطی که در ساختمان جمله های مرکب دیده می‌شود، عبارتند از: که، تا، چون، اگر، زیرا، وقتی که، همین که، ..

اجزای جمله

هر جمله دو رکن اصلی دارد: ۱- نهاد

۲- گزاره

نهاد: بخش اول جمله است و عبارت است از کسی یا چیزی که درباره ی آن خبری می‌دهیم.

گزاره: بخش دوم جمله است و عبارت است از خبری که درباره ی نهاد داده می‌شود.

مانند: هوا ابری است.

نهاد گزاره

نکته

«نهاد» می‌تواند یک اسم یا یک گروه اسمی باشد ولی «گزاره» علاوه بر گروه های اسمی شامل «فعل» یا «گروه فعلی» نیز می‌شود.

بنابر این:

نکته

فعل همیشه در قسمت

گزاره می‌تواند گاهی فقط شامل فعل باشد مانند:

نهاد گزاره ()

با توجه به مثال قبل :

اگر گزاره فقط یک کلمه باشد ، آن یک کلمه « » .

نکته

« نهاد » همیشه در اول جمله نمی آید.

: این هدیه ی بزرگ را _____ به ما مرحمت کرده است.

نهاد

از آن جا که بسیار اتفاق می افتد که در شعری اجزای جمله جا به جا شوند لذا دی این موارد ابتدا جمله ها را مرتب و سپس نهاد و گزاره ی آن را مشخص می کنیم .
بعنوان مثال بیت زیر را بخوانید:

هرگز نرسد به منزل عشق بی بدرقه ی تو ، کاروان ها

حالا بیت بالا را مرتب کنید:

کاروان ها _____ بی بدرقه ی تو هرگز به منزل عشق نرسد.

نهاد

نکته

نهاد و گزاره هر کدام گاهی یک کلمه و گاهی گروهی از کلمات هستند.

مانند :

آن گاه _____ رستم ، با خدای خود به راز و نیاز می پردازد.

نهاد

صدای اکبر آقا و چند تا از کارگرا _____ از پایین می آمد.

نهاد

نکته

مفعول ، قید و مسند که در فصل های بعد با آن ها آشنا می شوید ، همگی در قسمت گزاره قرار دارند.

نکته

نهاد می تواند یک ضمیر باشد.

مانند : _____ او ، _____ شیفته ی طبیعت بود.

گزاره

نکته

گاهی نهاد از جمله حذف می شود. این امر به ویژه هنگامی اتفاق می افتد که نهاد « ضمیر » باشد. زیرا می توان از روی فعل ، نهاد حذف شده را پیدا کرد .

مانند: فارسی را پاس می داریم . ← (ما: نهاد حذف شده)

باز هم اشتباه کردم. ← (من : نهاد حذف شده)

مطابقت نهاد با فعل

اصل این است که نهاد با فعل جمله از نظر جمع و مفرد بودن (شمار) مطابقت کند. یعنی اگر نهاد مفرد است فعل هم مفرد باشد و گر نهاد جمع است فعل نیز جمع بیاید.

مانند: زهرا از اتاق خارج شد.

بچه ها با صدای بلند خندیدند.

اما در مواردی این مطابقت به هم می خورد:

(۱) برای احترام: گاهی برای احترام به بعضی افراد ، برای نهاد مفرد ، فعل جمع می آوریم.

مانند: پیامبر (ص) فرمودند.

نهاد مفرد فعل جمع

استاد وارد کلاس شدند.

نهاد مفرد فعل جمع

(۲) برای نهاد غیر جاندار: اگر نهاد غیر جاندار و جمع باشد می توان فعل آن را هم بصورت مفرد و هم بصورت جمع آورد.

مانند: چشمه های آب گرم از زمین می جوشد.

چشمه های آب گرم از زمین می جوشند.

بیش تر بدانیم:

نهاد اگر کننده ی کار باشد «فاعل» خوانده می شود.

مانند: پدرم روزنامه را می خواند.
نهاد ()

و اگر نهاد کننده ی کاری نباشد به آن «مسند الیه» یا «نهاد غیر فاعلی» می گوئیم.

مانند: هوا سرد شد.
نهاد (غیر فاعلی)

www.my-dars.ir

تعداد جمله:

تعداد جمله ها می تواند با تعداد فعل های یک عبارت برابر باشد . البته «منادا» و «اصوات» نیز در شمارش تعداد جمله ها به حساب می آیند.

مانند : مریم از گروه خود برخواست و گفت : دوستان ، توجه کنید.

تا نکنی پشت به خدمت دو تا

ای شکم خیره، به نانی بساز

گاهی فعل از جمله حذف می شود. در شمارش تعداد جمله ها باید فعل های حذف شده را نیز در نظر بگیرید.

مانند:

(۱) لقمان را گفتند: ادب از که آموختی؟ گفت: از بی ادبان [آموختم]

۴

(۲) نه هرچه به قامت مهتر، به قیمت بهتر

گفتیم که اصوات و منادا را در شمارش تعداد جمله ها در نظر می گیریم. اکنون به بررسی این دو مورد می پردازیم:

اصوات

اصوات جمع «صوت» است و صوت کلمه ای است که از آن برای بیان عواطف و احساسات استفاده می کنیم. از آنجا که «اصوات» غالباً نقش فعل را در جمله بازی می کنند آنها را در شمارش تعداد جمله ها یک جمله به حساب می آوریم. مهم ترین اصوات عبارتند از:

«آه، افسوس، کاش، آفرین، احسنت، به به، خوشا، دریغ، وای، آخ، عجب، حیف، مرحبا، ...»

«اصوات» شبیه جمله هستند؛ یعنی مانند جمله یک پیام کامل را می رسانند. توجه کنید که شبه جمله های زیر را نیز در شمارش تعداد جمله محسوب کنید:

«سلام، بله، نه، خیر، آری، خداحافظ، ...»

منادا

اسمی که مورد خطاب واقع شود و آن را صدا بزنییم منادا خوانده می شود. مانند:

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خوشنود باشی و مارستگار

شیخ خندید و بگفتش ای سلیم این درخت علم باشد ای علیم

منادا گاهی همراه با نشانه و حروف «ندا» می آید؛ مانند هر دو مثال بالا و گاهی بدون نشانه که در این صورت از روی آهنگ و لحن جمله شناخته می شود.

مهم ترین نشانه های ندا «ای»، «یا»، و پسوند «الف» هستند.

نشانه ی «یا» در اول کلمه ی منادا می آید. مانند: یا رب، یا حسین، یا علی و ...

www.my-dars.ir

یا
نشانه ی ندا

علی
منادا

نشانه ی «ای» نیز در اول کلمه می آید. مانند: ای دوست، ای پدر، ...

بیداد گری شیوه ی دیرینه ی توس

ای چرخ فلک خرابی از کینه ی توس

نشانه ی ندا

منادا

«الف» در آخر کلمه ی منادا می آید.

مانند: پروردگارا، خداوند، سعدیا، حافظا و ...

گروه آموزشی عصر

ASR_Group@outlook.com

@ASRschool2

WWW.BIGBEST23.IR

گفتیم که منادا می تواند بدون نشانه ی ندا بیاید:

مانند: سعدی از اخلاق دوست ، هر چه برآید نکوست

حضورى گر همى خواهى ، از او غایب مشو حافظ

نکته

کلمه هایی مانند «رفتن ، دیدن، آمدن، گفتن ، پرسیدن ، و ...» مصدر نام دارند . مصدرها اسم اند نه فعل. بنابراین دقت کنید که آن ها را در شمارش جمله ها ، به حساب نیاورید.

مانند : شنیدن او از گفتن او بیشتر بود.
جمله

نکته

کلمه های «رفت» و «آمد» هر دو فعل هستند . ولی وقتی در جمله ای در کنار هم معنی «رفتن و آمدن» بدهند، دیگر فعل نمی باشند.

مانند: رفت و آمد ماشین ها در اینجا بسیار زیاد است.

(عبارت بالا فقط یک جمله است)

نکته

اگر بعد از فعل حروف ربطی مانند «و، یا» بیاید می توان نتیجه گرفت که پس از آن فعل جمله ای دیگر آمده است. حتی اگر فعل آن حذف شده باشد.

مانند: این خبر را من بدهم یا تو؟

هم به پدر و مادرم احترام می گذارم و هم به تمام معلمانم.

توجه:

فعل ها به تنهایی یک جمله اند.

مانند : گفتم: برو

انواع جمله

جمله ها از نظر مفهوم و پیام به چهار دسته تقسیم می شوند:

۱- جمله ی خبری: جمله ای است که درباره ی موضوع یا وقوع کاری خبر می دهد.

مانند: خط یکی از اختراعات بزرگ انسان است.

۲- جمله ی پرسشی: جمله ای است که درباره ی مسئله یا موضوعی پرسش می کند.

مانند : خورشید چه فرقی با ستارگان دیگر دارد

۳- جمله ی امری : جمله ای است که انجام دادن کاری یا داشتن حالتی را درخواست می کند.

مانند: به حرف های معلم توجه کن.

۴- جمله ی عاطفی : جمله ای است که یکی از عواطف انسانی مانند : تعجب، تاسف ، خشنودی، آرزو ، خشم و ... را می رساند و در واقع احساس ما را نسبت به کسی یا چیزی نشان می دهد.

مانند : چه صدای دل انگیزی!

نکته

در پایان جمله های خبری و امری نقطه می گذاریم ، در پایان جمله های پرسشی علامت سوال و در پایان جمله های عاطفی از علامت تعجب استفاده می کنیم.

جمله های پرسشی به وسیله ی کلمه هایی چون « آیا ، چرا، چگونه، چقدر، چند، کی ، کجا، ...م ساخته می شوند.

مانند: چگونه این کار را انجام دادی؟

البته گاهی جمله های پرسشی را از لحن و نوع پیام می شناسیم بدون آن که کلمه ی پرسشی در جمله آمده باشد.

مانند: صدایم را شنیدی؟

اگر در جمله ی پرسشی کلمه ی پرسشی نیامده باشد ، آوردن علامت (؟) ضروری است، در غیر این صورت نمی توان نوع جمله را تعیین کرد. برای مثال اگر در پایان جمله ی بالا علامتی نگذاریم این جمله می تواند خبری باشد.

مانند : صدایم را شنیدی.

درس دوم

فعل

فعل کلمه ای است که انجام گرفتن کاری یا رخ دادن حالتی را در یکی از زمان های «ماضی» ، «مضارع» و یا «آینده» نشان می دهد.

مانند: صدایی شنیدم. صدایی می شنوم. صدایی خواهم شنید.
ماضی مضارع آینده

دانستیم که جمله از نهاد و گزاره تشکیل می شود. به جمله ی زیر توجه کنید:

او بعد از پایان تحصیلات به کشورش بازگشت.

در جمله ی بالا گزاره شامل چندین کلمه است که بعضی از آن ها را می توان حذف کرد. برای مثال می توان گفت : او به کشورش بازگشت.

اما فعل جمله را نمی توان حذف کرد.

بنابراین در هر گزاره یک جزء اصلی وجود دارد که آن را «فعل» می گوئیم. هر فعل چهار ویژگی مهم دارد:

۱- انجام گرفتن کار یا رخ دادن حالت

۲- زمان مشخصی دارد

۳- مفرد یا جمع است

۴- از شخص معینی سر میزند.

شخص فعل: هر فعل دارای سه شخص است: اول شخص ، دوم شخص، سوم شخص.

هر یک از این شخص ها یا «مفرد» و یا «جمع» اند. بنابر این روی هم رفته ، فعل را می توان در شش حالت صرف کرد.

این شش حالت عبارتند از:

اول شخص مفرد	اول شخص جمع
دوم شخص مفرد	دوم شخص جمع
سوم شخص مفرد	سوم شخص جمع

صرف فعل: وقتی این شش ساخت ممکن از فعل را می آوریم ، می گوئیم فعل را صرف کرده ایم. برای مثال رفتن را در شش حالت ممکن صرف می کنیم:

رفتم	رفتیم
رفتی	رفتید
رفت	رفت

برای بهتر یاد گرفتن صرف فعل می توانید از شش ضمیر زیر کمک بگیرید.

من ، تو ، او	ما ، شما ، آن ها
--------------	------------------

جدول زیر را به دقت ملاحظه کنید:

مفرد	جمع	
(من)رفتم	(ما)رفتیم	اول شخص
(تو)رفتی	(شما)رفتید	دوم شخص
(او)رفت	(آنها)رفت	سوم شخص

زمان فعل

گفتیم که فعل ها در یکی از زمان های سه گانه ی ماضی، مضارع و آینده اتفاق می افتند.

فعل ماضی (گذشته): فعلی که انجام گرفتن کار یا رخ دادن حالتی را در زمان گذشته نشان می دهد.

مانند: یک مرد بزاز بود که هر چند وقت یک بار از شهر پارچه و لباس های گوناگون می خرید و به ده های اطراف می برد و می فروخت و به شهر برمی گشت.

فعل مضارع (حال): فعلی است که انجام گرفتن کار یا رخ دادن حالتی را در زمان حال نشان می دهد.

مانند: آن ها بازی نمی کنند، بلکه دام و تله می گذارند تا تو و امثال تو را در تله بیندازند.

پرسش: آیا فعل «می رود» به زمان حال اشاره می کند یا آینده؟

مثلا در جمله ی « او فردا به مدرسه می رود . »

پاسخ: فعل مضارع گاهی معنی آینده می دهد. مثل جمله ی بالا. فعل «می رود» مضارع است، ولی در این جمله معنی آینده دارد.

فعل مستقبل (آینده): فعلی است که بر انجام گرفتن کار در زمان آینده دلالت می کند، یعنی زمانی را نشان می دهد که هنوز نرسیده است.

مانند: در مسابقات کشوری شرکت خواهیم کرد.

نکته

فعل آینده از صرف «خواه» به همراه یک فعل ماضی ساخته می شود.

خواهم، خواهی، خواهد، خواهیم، خواهید، خواهند بُن ماضی

مانند: خواهم رفت خواهی رفت خواهد رفت و...

اگر به ساخت های مختلف یک فعل توجه کنید ، متوجه می شوید که در همه ی آن ها یک بخش ثابت و تغییر ناپذیر وجود دارد. برای مثال به شش ساخت ماضی از مصدر «گفتن» توجه کنید:

گفتم	گفتی	گفت
گفتیم	گفتید	گفتند

همانطور که مشاهده می کنید ، در شش صورت بالا کلمه ی گفت مشترک و ثابت است. این بخش از فعل را بُن فعل می گویند. فعل های بالا ماضی هستند، بنابراین بن آن ها نیز بن ماضی است.

اکنون به شش ساخت مضارع «گفتن» توجه کنید:

می گویم	می گویی	می گوید
می گوییم	می گویید	می گویند

در شش ساخت بالا «گو» بُن مضارع است.

بنابراین:

بن فعل : بخش ثابت هر فعل است که انجام گرفتن کار را نشان می دهد و در واقع معنی اصلی کلمه ی فعل را می رساند.

نکته

فعل های «آینده و ماضی» از «بن ماضی» ساخته می شوند و فعل های «مضارع و امر» از «بُن مضارع»

نکته

نشانه های «می» یا «ب» که در ابتدای فعل های ماضی و مضارع می آید ، هرگز جزء «بن فعل» به حساب نمی آیند.

بنویسیم ← بن فعل: نویس

می رفتم ← بن فعل: رفت

معمولا برای پیدا کردن بن فعل ها از «مصدر» استفاده می کنیم.

مصدر: اسمی است که مفهوم اصلی و معنی فعل را می رساند ، بدون اینکه زمان و شخص را نشان بدهد. نشانه ی مصدر «ن» است. کلمه های زیر نمونه هایی از مصدر اند:

گروه آموزشی عصر

رفتن، آمدن ، خریدن، گرفتن، بریدن، پوشیدن، و... .

ساخت بن ماضی از مصدر:

دیدن ← دید

بن ماضی : مصدر بدون «ن» ← گفتن ← گفت

رفتن ← رفت

وقتی «ن» را از مصدر حذف کنیم، بن ماضی می ماند.

www.my-dars.ir

ساخت بن مضارع از مصدر :

بین ← بین
بگو ← گو
برو ← رو

بن مضارع : فعل امر بدون «ب»

نکته

« بن ماضی » در واقع یک فعل ماضی سوم شخص مفرد هم هست.

برای مثال « دید، رفت، برد، گرفت، آمد، شنید، و... » همگی هم بن ماضی اند و هم فعل ماضی سوم شخص مفرد.

شناسه :

شناسه بخش متغیر فعل است که بر خلاف بن در شش حالت فعل تغییر می کند.

شنایه نشان دهنده ی شخص مفرد و جمع بودن فعل است.

جدول شناسه ی فعل ماضی

جمع	مفرد	
یم	مَ-	اول شخص
ید	ی	دوم شخص
ند	-	سوم شخص

جدول شناسه های فعل مضارع

جمع	مفرد	
یم	مَ-	اول شخص
ید	ی	دوم شخص
ند	-	سوم شخص

نکته

همانگونه که در دو جدول بالا می بینید تنها تفاوت میان شناسه های فعل ماضی و مضارع در شناسه ی سوم شخص مفرد است. در فعل های ماضی فعل سوم شخص مفرد شناسه ندارد.

چگونه از روی بن فعل ، زمان فعل را مشخص کنیم؟

www.my-dars.ir

۱- ابتدا مصدر فعل را پیدا کنید.

۲- از روی مصدر بن ماضی و مضارع را بنویسید.

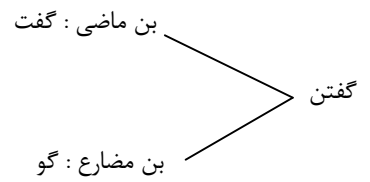
۳- به سراغ فعل بروید و ببینید که در فعل داده شده ، بن ماضی وجود دارد یا بن مضارع.

برای مثال می خواهیم زمان فعل زیر را پیدا کنیم:

«می گویم»

مرحله (۱): پیدا کردن مصدر گفتن

مرحله (۲): پیدا کردن بن ماضی و مضارع



مرحله (۳): چون در فعل داده شده یعنی «می گویم» بن مضارع را مشاهده می کنیم، پس زمان این فعل مضارع است.

فعل امر و نهی

به جمله های زیر توجه کنید:

الف) به خانه برو.

ب) سریع از مدرسه برگرد.

ج) درس هایت را بخوان.

به فعل این جمله ها نگاه کنید. در همه ی جملات بالا ، فعل را به صورت خواهش و فرمان مطرح کرده ایم. به این نوع فعل ها ، «فعل امر» می گویند. از طریق فعل های امر ، انجام کاری را بصورت دستوری ، طلب می کنیم.

فعل های زیر همگی فعل امر هستند:

بگو، بگیر، بخوان، بپوش، ببر، بخواب، بنشین، بین و ...

بگویند، بگیرند، بخوانند، بپوشند، ببرند، بخوابند، بنشینند، بینند، و...

ساخت فعل امر

برای دوم شخص مفرد ← ب+بن مضارع

مانند: برو ، بگیر

برای دوم شخص جمع ← ب+بن مضارع+شنایه

مانند: بروید، بگیرید

نکته

فعل امر گاهی بون حرف «ب» به کار می رود.

مانند:

کرم کرده راهی ده ای نیکبخت

اکنون به جمله های زیر توجه کنید :

الف) وقت خود را از دست نده.

ب) لباست را کثیف نکن.

در دو جمله ی بالا نیز دستور می دهیم و چیزی را طلب می کنیم ، ولی این بار دستور به انجام ندادن کار داده ایم. این دسته از فعل ها «نهی» نام دارند. فعل امر در صورت منفی شدن «نهی» می گردد.

فعل نهی را هم با «نَ» و هم با «مَ» می سازند:

الف) نرو، نزن، نگو، نخوان، و...

ب) مرو، مزن، مگو، مخوان، و...

البته فعل های گروه (ب) شکل کهن و قدیمی فعل نهی هستند که امروزه کاربرد ندارد.

نکته

فعل «امر و نهی» تنها در دو ساخت دوم شخص مفرد «و» و «دوم شخص جمع» استفاده می شوند.

برای امر کردن سایر ساخت ها می توان از قیدهایی مثل «باید» استفاده کرد.

باید برو، باید برود، باید برویم، باید بروند و ...

توجه:

دقت کنید که فعل های «نهی» را با «نهی» اشتباه نگیرید.

ما هر فعل مثبتی را می توانیم با آوردن «ن» منفی کنیم.

مانند: رفتیم ← نرفتیم می خوریم ← نمی خوریم

«نروم، نخواندیم، نمی آید و ...» فعل های نفی هستند.

بیشتر بدانیم:

فعل لازم و متعدی

فعلی که مفعول می گیرد، «متعدی» است و فعلی که معنی آن با نهاد کامل می شود «لازم» است. فعل لازم هرگز مفعول نمی پذیرد.

مانند: من شعر سعدی را زمزمه می کردم.
نهاد مفعول فعل متعدی

پدرم به سمت خانه رفت.
نهاد فعل لازم

فعل های متعدی با عبارت های «چه چیزی را» و «چه کسی را» معنی می دهند.

مانند: گرفتم ← چه چیزی را گرفتم (معنی می دهد)

اما فعل های لازم با این عبارت معنی نمی دهند.

مانند: آمد ← چه چیزی را آمد (معنی نمی دهد)



www.my-dars.ir